



مجتبی شکوری؛ یکی از دغدغه‌های مادر کتاب‌باز «کتاب‌های موفقیت» بود که اتفاقاً تعدادشان کم هم نیست. برخلاف چیزی که عموم مردم از کتاب‌های موفقیت دارند، می‌توانند مخرب باشند. البته ما کتاب‌های خوبی هم در این زمینه داریم اما جنس زرد این کتاب‌ها در بازار کتاب ایران فروش بالایی دارند

هدف: افزایش آگاهی

حوزه کتاب و کتابخوانی حوزه‌ای است که بسیاری بر این تصورند مربوط به فرهیختگان و نخبگان و اقشار خاصی خواهد بود.

مرتضی جاسبی
مدیر گروه
تلویزیونی شبکه
نسیم

این در حالی است که خواندن کتاب مختص به يك قشر و گروه خاص نیست. با توجه به همین موضوع و نشر کتابخوانی تصمیم بر آن شد تا برنامه‌ای ساخته و تولید شود که نشان دهد کتابخوانی برای تمام اقشار جامعه است. به همین منظور باید این برنامه، برنامه‌ای جذاب و دیدنی باشد تا بتواند این دسته از مخاطبان را به سمت خود بکشد.

ثمره همین تفکرات موجب شد تا برنامه‌ای به نام «کتاب‌باز» ساخته و پخش شود. برنامه‌ای که موفق عمل کرد و باز خورد آن را می‌توان در نظرسنجی اخیر شاهد بود. در این نظرسنجی برنامه کتاب‌باز رتبه سوم در شبکه نسیم و رتبه هشتم در سیما را به دست آورد. رتبه قابل قبولی که این نتیجه را برای ما به همراه دارد که توانسته چنین برنامه‌ای مخاطب عام را با خود همراه کند و هدف‌گذاری‌ای که برای آن در نظر گرفته شده بود نتیجه خوبی نیز داشته است.

هنوز هم می‌توان امیدوار بود کتاب‌باز با برنامه‌ریزی درست پیش رفته و مخاطب‌های بیشتری را به سمت خود جذب و افراد بیشتری را به خواندن کتاب ترغیب کند. برای همین پس از پایان هر فصل تلاش می‌شود تا نقاط قوت و ضعف برنامه و آیتم‌های مختلف آن مورد بررسی قرار گیرد و بعد از آن با توجه به این بررسی بخش‌هایی که مورد استقبال قرار گرفته تقویت و آنهایی که کمتر دیده شده کم‌رنگ‌تر شود تا بتوان از این طریق با مخاطب ارتباط درست و خوبی برقرار کرد.

در هر صورت صدا و سیما نیاز دارد تا به تعداد چنین برنامه‌هایی اضافه کند. چون کتاب‌باز نشان داد می‌شود مخاطب عام را هم ترغیب کرد همچنین برنامه‌هایی را ببیند و هم این‌که تشویق شود به این‌که ساعاتی از روز را به مطالعه اختصاص دهد.

در حال حاضر کتاب‌باز برای شبکه نسیم تبدیل به يك برند شده است. شبکه‌های دیگر هم این توانایی را دارند تا برنامه‌هایی در این زمینه بسازند و مخاطب را مجاب به تماشا کنند. چون تعداد برنامه‌های مفیدی که درباره کتاب باشد هنوز کم است و نیاز است به این موضوع بیشتر توجه شود چون هر چقدر در کشور مردم کتابخوان بیشتر داشته باشیم جامعه به سمت آگاهی بهتر، حرکت رو به رشد سریع‌تری خواهد داشت.

سفر در دنیای کتاب با آقای دکتر

احسان رضایی متولد ۱۳۵۶ تهران، داستان‌نویس و منتقد ادبی است و در دانشگاه پزشکی خوانده است. او را بیشتر به مطالبش در هفته‌نامه «همشهری جوان» می‌شناسند. مجری-کارشناس برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی مختلف درباره کتاب (کاغذ رنگی، الف، شهر قصه) بوده و نویسنده مجموعه داستانک «شهرزاد خسته است» و مجموعه داستان «باغ وحش اساطیر» است. او از مجرای حضورش در کتاب‌باز بر ایمن گفته است:

احسان رضایی: از فصل اول جزو نویسندگان این برنامه بودم. از فصل دوم که شروع صحت به عنوان مجری برنامه به گروه کتاب‌باز اضافه شد، قرار شد روزهای چهارشنبه بخش کارشناسی کتاب به برنامه اضافه شود. من در فصل دوم چند برنامه به عنوان کارشناس این قسمت جلوی دوربین رفتم. در فصل بعد یعنی فصل سوم یکشنبه‌های کتاب‌باز به روز معرفی کتاب در ژانرهای مختلف اختصاص داده شد و قرار شد من به عنوان کارشناس این قسمت هر یکشنبه با اطلاعاتی کمتر شنیده شده در مورد کتاب‌ها و نویسنده‌ها در خدمت مخاطبان برنامه باشم. اما در فصل چهارم ما ایده‌ای جدید به نام «دوره‌می کتاب» را به برنامه اضافه کردیم. روند برنامه به این صورت بود که آقای صحت با مهمان برنامه در مورد تمام اتفاقاتی که از

کودکی تا امروز حول محور کتاب برای مهمان برنامه افتاده گپ می‌زد. بعدتر گفتیم چه خوب می‌شود اگر در يك آیتم جداگانه سروش صحت و مهمان عزیزش در مورد يك کتاب مشخص گفت‌وگو کنند. به این ترتیب ایده «دوره‌می کتاب» شکل گرفت که روزهای چهارشنبه هر هفته سه چهار کارشناس حوزه کتاب دور هم جمع می‌شدیم و تنها در مورد يك کتاب مشخص صحبت می‌کردیم. تجربه کار با گروه خوب و دلپذیری کتاب‌باز بسیار تجربه بود. تمام عوامل برنامه از کارگردان و تهیه‌کننده و

مجری بگیرید تا نویسندگان و عوامل پشت دوربین از کسانی هستند که دغدغه کتاب و کتابخوانی دارند و تک‌تک‌شان دوستدار کتاب هستند. اغلب مهمان‌های برنامه هم همین بازخورد را از عوامل برنامه داشته‌اند. بسیار پیش آمده که مهمان برنامه یکی از شعری خوب کشورمان بوده و عوامل برنامه شعری از همان شاعر را برایش خوانده‌اند. طبیعتاً این مساله برای مهمان برنامه بسیار خوشایند و دلپذیر است و تأثیر فراوانی هم در رضایت مهمان از برنامه دارد. تمام این اتفاقات کوچک اما تأثیرگذار کار با این گروه را نه تنها برای من که فکر می‌کنم برای تمام عوامل برنامه به تجربه‌ای بسیار شیرین تبدیل کرد. همین چند وقت پیش ما اولین سفرمان با عوامل این برنامه به شهر «بافق» و ضبط برنامه خارج از استودیو کتاب‌باز را داشتیم که امیدوارم در فصل‌های آینده هم بتوانیم این اتفاق را تکرار کنیم. بعد از ضبط و فارغ از شدن از کار با آقای کاکاوند و سروش صحت می‌نشستیم و مدت‌ها در مورد يك موضوع خاص صحبت می‌کردیم و شعر می‌خواندیم و به کتاب‌های مختلف ارجاع می‌دادیم. شاید بتوان گفت این خاطره را یکی از به یادماندنی‌ترین خاطره‌ها در طول سال‌ها همکاری با این گروه دوست‌داشتنی و کاربلد دانست.



از شهریار تا اردشیر

اردشیر رستمی شاعر، کاریکاتورپست، تصویرساز، مجسمه‌ساز و معمار است که با بازی در سریال شهریار بیشتر از پیش به مخاطبین معرفی شد. او حضور در برنامه کتاب‌باز را یکی از بهترین تجربه‌های کاری‌اش می‌داند.

اردشیر رستمی: اولین بار در فصل دوم به عنوان مهمان به این برنامه دعوت شدم. بعد از پخش این قسمت بازخورد‌های فراوانی از بینندگان گرفته شد و همین مساله باعث شد این حضور در فصل‌های بعدی هم تکرار شود. شعر موضوع اصلی بحث من و آقای صحت در روزهایی بود که به عنوان مهمان در برنامه حضور داشتم و بعدتر هم «در دوره‌می کتاب» با حضور دیگر مهمانان باز هم در مورد شعر جهان بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. یکی از بازخورد‌هایی که از مردم می‌گرفتیم این بود که برایشان عجیب بود که چرا من آنقدر شعر حفظ هستم؟ ولی دوست دارم از همین‌جا به خوانندگان این سطور بگویم من شعر حفظ نمی‌کنم که فقط حافظه‌ام را پر کنم! من با شعر زندگی می‌کنم و

تنهایی و خلوت‌م را با شعر پر می‌کنم. يك روز با حافظ راه می‌روم، روز بعد با مولانا، يك روز با ناظم حکمت و فردای آن روز با شهریار! شعرا مونس خلوت من هستند و شعر با جان من آمیخته شده است. وقتی دیدم برنامه‌ای ساخته شده که به شعر تا این حد اهمیت می‌دهد مشتاقانه در این برنامه حضور پیدا کردم. حقیقتاً گروه برنامه کتاب‌باز یکی از شریف‌ترین گروه‌های برنامه‌سازی است که من تا به حال با آنها کار کرده‌ام. گروهی دغدغه‌مند و کاردرست که به نظرم در مسیر درستی در حوزه کتاب قدم برداشته‌اند و کار مهمی در این زمینه انجام می‌دهند. باور کنید دغدغه کتاب داشتن بسیار لذتبخش است و البته کار در حوزه کتاب سخت! زمانی که سر باز بدم همه من را به عنوان يك سر باز کتابخوان می‌شناختند. يك روز سر پست بدم و در حال مطالعه يك کتاب. طبیعتاً وقتی سر بازی سر پست است نباید حواسش به چیز دیگری پرت

باشد و شش‌دانگ حواسش باید وظیفه‌اش یعنی نگهبانی باشد. فرمانده‌ام که من را دید گفت آقای رستمی در جریان هستید که نباید سر پست کتاب بخوانید؟ گفتم من در حال نگهبانی دادن هستم. فرمانده‌ام گفت از چی؟ گفتم شما و فرهنگ کشورم. باور کنید نگهبانی دادن از فرهنگ کشور کار بسیار سختی است و گروه کتاب‌باز خیلی خوب در حال انجام وظیفه است.

